

تدبر در قرآن

سوره مبارکه غاشیه

استاد ضرابی اردیبهشت ۱۴۰۰

جلسه سوم ۱۴۰۰/۲/۲۱

آیات شریفه : «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ (۸) لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ (۱۰) لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ (۱۳) وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ (۱۴) وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ (۱۵) وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ (۱۶) - در آن روز چهره هایی شادابند (۸) از کوشش خود خشنودند (۹) در بهشت برین اند (۱۰) سخن بیهوده ای در آنجا نشنوند (۱۱) در آن چشمه ای روان باشد (۱۲) تختهایی بلند در آنجاست (۱۳) و قدحهایی نهاده شده (۱۴) و بالشهایی پهلوی هم [چیده] (۱۵) و فرشهایی [زربفت] گسترده (۱۶)»

عنوان : سرور و شادی در آخرت با سعی و کوشش در دنیا

« وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ * لِسَعِيهَا رَاضِيَةٌ »: از علی (علیه السلام) روایت شده است که ایشان اهل بهشت را یاد کرد و فرمود: « يَجِيئُونَ فَيَدْخُلُونَ فَإِذَا أَسَاسُ بُيُوتِهِمْ مِنْ جَنْدَلِ اللَّؤْلُؤِ وَ سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ * وَ أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ * وَ نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ * وَ زَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ وَ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ قَدَّرَهَا لَهُمْ لَآتَمَعَتْ أَبْصَارُهُمْ بِمَا يَرَوْنَ وَ يُعَانِقُونَ الْأَزْوَاجَ وَ يَقْعُدُونَ عَلَى السُّرُرِ وَ يَقُولُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا.. - می آیند و وارد [بهشت] می شوند؛ پس ناگهان می بینند که بنیان خانه هایشان از سنگ مروارید است و در آن تخت های زیبای بلندی است، و قدح هایی [که در کنار این چشمه] نهاده، و بالش ها و پستی های صف داده شده، و فرش های فاخر گسترده! - (غاشیه/۱۶) و اگر نبود که خداوند آن را برایشان مقدّر فرموده، چشمانشان به

سبب آنچه می بینند ر بوده [و نابینا] می شد، و با همسران معانقه می کنند و بر روی تخت ها می نشینند و می گویند: ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این [همه نعمت ها] رهنمون شد. « (بحار الأنوار، ج ۷، ص ۱۷۰)

زیرا خداوند وعده فرموده بود که: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت ۶۹)»

از همت است هر که به جایی رسیده است بی بال و پر به عالم بالا پرنده کیست تا زمانی که اهل این تخت ها نیامده اند، بلند و برافراشته است و هنگامی که صاحبش خواست بر روی آن بنشیند، برای او فرود می آید و سپس بالا می رود و در جایش قرار می گیرد، و گفته شده است: بلند است تا اینکه مؤمنان با نشستن بر روی این تخت ها همه ی قلمرو مالکیت را در اطرافشان ببینند؛ که از زیر آن روده ها جاری است. (بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۳۶) و آنان شیعیان خاندان محمد (صلی الله علیه و آله) می باشند (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۸، ص ۷۴).

از تاکید قرآن کریم بر سعی و کوشش و نقش آن بر کمال انسان و محرومیت در دنیا و آخرت بدون آن: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (نجم/۳۹)» نتیجه می شود که هر کس بهشت می خواهد باید بهایش را بپردازد: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا - و هر کس که سرای آخرت را بطلبد و برای آن سعی و کوشش کند درحالی که ایمان داشته باشد، چنین کسانی سعی و تلاش آن ها، [از سوی خدا] پاداش داده خواهد شد. «(اسراء/۱۹)

عنوان: تناسب و سنخیت عمل با جزا و پاداش

بسیار بجا خواهد بود که از خود سؤال کنیم ما برای آخرت تا چه اندازه سعی و تلاش می کنیم؟ آیا آن اندازه هست که حسرت نخوریم و از سعی خود راضی باشیم؟ آیا باور کرده ایم که با راحت طلبی و خوش گذراندن، مقصود حاصل نمی شود البته باید توجه داشت که سعی و کوشش با آگاهی و تخصص مطلوب است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ عَمِلَ عَلَىٰ غَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ. حدیث - هر کس بدون علم و تخصص، کاری انجام دهد، بیش از آنکه آباد کند، خراب می کند» (محاسن/ ۶۲۱/ ۱/۳۱۴)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: « مَا أَبَالِي إِلَى مَنْ إِنْتَمَتْ خَائِنًا أَوْ مُضَيِّعًا - از نظر من، فرق نمی کند که کار را به خائن واگذار کنم، یا به انسانی ناشی و نامتخصص و فاقد مهارت » (الحیة، ج ۵، حدیث ص ۴۴۰)

نکته بسیار قابل توجه دیگر تناسب و سنخیت عمل با جزا و پاداش است؛ کسی که در دنیا از کارهای بیهوده اعراض می کند و از همت بلندی برخوردار است در آخرت خود را در بهشت برین خواهد یافت که سخن بیهوده ای در آن نمی شنود.

علی (ع) درباره نشانه های علو همتی می فرماید: « لَاشْرَفَ كُبُعدِ الْهَمَّةِ - هیچ شرفی مانند بلندی همت نیست » (بحار: ۲/۱۶۵/۷۸)

و قاعده این است که کارهای زیبا و ارزشمند با همت های بلند به ثمر می رسد: « الْفِعْلُ الْجَمِيلُ يُنبِئُ عَنْ عُلُوِّ الْهَمَّةِ - کردار زیبا از بلندی همت، خبر می دهد » (غرر الحکم، ج ۱، ص ۳۶۵)

کسی که همت بلندی دارد از کارهای لغو و بیهوده پرهیز می کند « أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَعْنِيهِ - پر ارج ترین مردم، کسی است که آنچه را بیهوده است فرو گذارد » (الأمالی للصدوق: ۴۱/۷۳)

نتیجه اینکه سنخیت و تناسب حقیقت درون این دو صفت همت عالی و پرهیز از کارهای بیهوده، صاحبش را به بهشتی می رساند که خداوند فرمود: « فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ * لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً - در بهشت برین اند و سخن بیهوده ای در آنجا نمی شنوند. »

هر که را عالی است همت او هر دو عالم شده است نعمت او

عنوان: آب منشأ حیات در دنیا، معرفت منشأ هر نعمت در آخرت

« فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ * فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ » : آب در دنیا منشأ همه نوع حیات بر روی زمین است « أَمْ فَارَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ * أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ * لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْ لَا تَشْكُرُونَ - آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟ آیا شما آن را از ابر باران را فرو آوردید یا ما فرو فرستنده ایم؟ اگر بخواهیم آن را شور و تلخ می گردانیم، پس چرا سپاسگزاری نمی کنید؟ » (واقعه/۶۸)

مقصود از سپاسگزاری استفاده درست همه نعمت‌ها در راه رشد و تعالی است به ویژه آب که منشأ پیدایش سایر نعمت‌هاست « فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ * أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا * ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا * فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا * وَعِنْبًا وَ قَضْبًا * وَ زَيْتُونًا وَ نَخْلًا * وَ حَدَائِقَ غُلْبًا * وَ فَاكِهَةً وَ أَبَا * مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِأَنْعَامِكُمْ - پس باید انسان به غذای خود بنگرد. ما آب را آن گونه که باید، (از آسمان) فرو ریختیم. سپس زمین را به خوبی شکافتیم. و در آن، دانه رویانیدیم. و نیز انگور و سبزیجات، و زیتون و نخل خرما، و باغهای پردرخت، و میوه و چراگاه، برای برخورداری شما و چهارپایانتان. » (عبس/ ۲۵)

از حضرت باقر (علیه السلام) نقل شده : « فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا ذَاكَ قَالَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ أَوَّلِ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ ... خَلَقَ الشَّيْءَ الَّذِي جَمِيعُ الْأَشْيَاءِ مِنْهُ وَ هُوَ الْمَاءُ الَّذِي خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنْهُ فَجَعَلَ نَسَبَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَى الْمَاءِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لِلْمَاءِ نَسَبًا - در پاسخ به مردی شامی درباره آغاز آفرینش فرمود: نخست، چیزی را آفرید که همه چیزها از آن خلق شده و آن آب است؛ پس خداوند نسب هر چیزی را به آب می‌رساند؛ ولی برای آب، نسبی که بدان منسوب شود، قرار نداده است. » (الکافی، ج ۸، ص ۹۴)

همانطور که آب منشأ همه نعمت‌های دیگر بر روی زمین است، در روح و قلب انسان معارف توحیدی منشأ ایمان و اعمال صالح است که بر اساس آن همه نعمت‌های آخرت تحصیل می‌شود.

در نعمت‌های بهشتی خداوند قبل از نعمت‌های دیگر از نعمت آب سخن می‌گوید « فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ » و همچنین ایمانی که نتیجه معرفت به خدا باشد (حقیقت آب)، تکیه و اعتماد به خدا و آرامش روح و روان را پدید می‌آورد، همین حقیقت در چهره اخرویش « فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ » تکیه‌گاه‌های بلند، زیبا و آرامش بخش است.

نمی‌شود در دنیا معرفت الله که مقصود از همه چیز است (ارسال رسل و انزال کتب) را نداشت و ایمان و عمل صالح نداشت و نعمت‌هایی را که در این آیات وصف شده است بدست آورد؛ چرا که این نعمت‌ها حقیقت و باطن و جوهره ایمان و عمل صالح است که باید در دنیا تحصیل شود.

ای دهانت، چشمه آب حیات شمع رویت آفتاب کاینات
تا دلم از شادی وصلت نماند از کمند غم نمی یابم نجات

عنوان: ایجاد ظاهر و باطن اعمال با اعضاء و نیات

سخن در تشخیص جوهره و باطن هر عملی است که شاید نتوان برای آن قاعده‌ای کلی بیان نمود. زیرا همانطور که هر پدیده‌ای در دنیا حقیقت ناشناخته‌ای دارد و ما تنها خواص و آثاری را که از آن به ظهور می‌رسد را می‌شناسیم، حقیقت و ذات اعمال و افکار و نیات هر فردی نیز با آثار آن شناخته می‌شود و ذات و حقیقت آن همانطور که هست برای ما شناخته نمی‌شود.

امام سجّاد «سلام الله علیه» می‌فرمایند: «الذُّنُوبُ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ جَوْرُ الْحُكَّامِ فِي الْقَضَاءِ وَ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ كِتْمَانُ الشَّهَادَةِ وَ مَنَعُ الزَّكَاةِ وَ الْقَرْضُ وَ الْمَاعُونِ وَ قَسَاوَةُ الْقُلُوبِ عَلَى أَهْلِ الْفَقْرِ وَ الْفَاقَةِ وَ ظُلْمُ الْيَتِيمِ وَ الْأَرْمَلَةِ وَ انْتِهَارُ السَّائِلِ وَ رَدُّهُ بِاللَّيْلِ - ظلم در قضاوت، شهادت دروغ، کتمان حق، خودداری از ادای زکات، کوتاهی در قرض دادن، یاری نکردن محرومان و سنگدلی نسبت به فقرا و نیازمندان و نیز ظلم به یتیمان و نیازمندان و رد کردن سائلان و محرومان، گناهانی هستند که باران نافع آسمان را حبس می‌کنند» (معانی الأخبار، ص ۲۷۱)

از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که اعمال انسان، در همان وقت که انجام می‌شوند حقایقی متناسب با نیات انسان که باطن اعمال اوست تحقق پیدا می‌کنند که در آخرت ظاهر می‌شوند.

مثلاً غیبت، به صورت مار و عقرب در می‌آید؛ چرا که نیش زدن ماهیت درونی آن است.

این سخن‌های چو مار و کژدمت مار و کژدم می‌شود گیرد دمت

در آثار اعمال نیک و بد از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: «مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ، وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ. «آنها که با گناه می‌میرند بیش از آنها هستند که با اجل طبیعی از دنیا می‌روند»

و آنها که با نیکی زنده می‌مانند (و طول عمر می‌یابند) بیش از آنها هستند که به عمر معمولی باقی می‌مانند» (امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۰۵)

از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو

اکنون می‌گوئیم که هر آنچه در بهشت و جهنم وجود دارد از زمین زیر پای آنها گرفته تا آسمان بالای سر آنها و هر نعمت و نعمتی، ظهور اخروی اعمال و نیات، ملکات و باورهای انسان است.

از این رو مؤمنین باید با توجه به آثار امور بیندیشند که هر یک از این نعمت‌ها و نعمت‌ها محصول کدام عمل انسان است.

« وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ * وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ * وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ » مثلاً قدح که به ظروف بدون دسته گفته می‌شود در داخل خود می‌تواند بسته به نوع اعمال که در ظروف زمانی خاصی تحقق پیدا کرده‌اند حاوی طعام‌های لذت بخشی برای بهشتیان باشند و بالش‌های چیده شده که گفته شد به آن تکیه داده می‌شود، می‌تواند محصول اعمال پیوسته و مستمری باشد که اعتماد به خدا و آرامش را به ارمغان می‌آورد. و به همین ترتیب نعمت‌های دیگر.

رهر و منزل عشقیم و ز سر حد عدم تا به اقلیم وجود اینهمه راه آمده ایم

سبزه ی خط تو دیدیم و زبستان بهشت بطلب کاری آن مهر گیاه آمده ایم